

«بررسی وضعیت علوم اسلامی در کشور برای جهت‌گیری آینده- بخش دوم»، (دکتر سیدمصطفی محقق داماد)

امروز دانش الهیات در ایران اسلامی در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی ارتقاء مطلوبی یافته است. آمار انتشار میراث مکتوب اعم از کتاب، مجلات و مقالات و سایر آثار در رشته‌های فلسفه، کلام، تفسیر قرآن، فقه و اصول، تاریخ و تمدن اسلامی گواه صادقی برای این مدعاست. نقطه نگرانی چند مطلب است:

۱- آمیخته شدن معارف اسلامی با امور ضعیف، غیرمستند و خرافی. مسئولین تمشیت امور فرهنگی باید با درایت و خردمندی زمینه آن را منتفی سازند.

۲- معارف اسلامی هدف اصلی دین اسلام را رواج دوستی مهربانی و حفظ کرامت انسانی، و بالاخره تیمیم مکارم اخلاق اعلام داشته‌اند. بنابراین اولاً: برای نهادینه شدن اخلاق در جامعه باید تلاش کرد و ثانیاً از اینکه نهادها و معتقدات دینی وسیله ایجاد اختلافات و رواج خشونت گردند، با جدیت باید اجتناب شود. جامعه ایرانی ترکیبی از اقوام و ادیان و مذاهب گوناگون است تفرقه‌افکنی این خطری است که وحدت ملی را تهدید می‌سازد.

۳- از اینکه دین ابزار بین گروه‌های سیاسی شود و به بهانه‌های دینی اهداف سیاسی خود را دنبال کنند و از این رهگذر ایجاد تفرقه نمایند باید اجتناب گردد.

۴- آنچه در آغاز این مکتوب نسبت به ارتقای سطح الهیات در کشور آمد، تأکید می‌کنیم که این امر به هیچ وجه معلول توسعه کمی مراکز دانشگاهی نبوده بلکه نتیجه تشویق این دانش بوده است. لذا از توسعه بی‌رویه مراکز دانشگاهی این رشته که فاقد اساتید واجد شرایط هستند باید جلوگیری به عمل آید. توسعه غیرمنطقی مراکز علمی الهیات نه تنها مضرتر نیست که بی‌گمان زیانبار است.

۵- آموزش دینی برای نسل جوان دانشگاهی یک فن علمی خاص است که باید برای تعمیق دین در این گونه محیط‌ها ضمن پرهیز از هر گونه اجبار و فشار از روش‌های مطالعه شده در این زمینه بهره گرفته شود و با سلیقه پسندیده و درایت کامل معارف دینی عرضه گردد.

۶- ایجاد مراکز جدید آموزش الهیات هر چند برخی از آنها کاملاً موفق بوده‌اند، ولی نباید به معنای نادیده گرفتن و عدم توجه به مراکز باسابقه در این دانش تلقی گردد. برای نمونه دانشکده الهیات دانشگاه تهران که حضور متفکران بزرگی در آن سابقه دارد امروز در حکمت متعالیه و نیز سایر رشته‌ها با فتور و ضعف مواجه است.

۷- امروز در میان نسل جوان دانشگاهی این گمان، (هرچند منطبق با واقع نباشد) وجود دارد که دانشگاه به‌طور کلی مورد بی‌مهری و بی‌لطفی تصمیم‌گیران کشور قرار گرفته است. برخی اعضای شورای انقلاب فرهنگی که سابقه آشنایی با دانشگاه ندارند دانشگاهیان را متهم به بی‌دینی می‌کنند و در مورد آنان هر روزه تصمیم جدیدی می‌گیرند. در حالی که این چند میلیون دانشجو همه فرزندان این آب و خاک هستند و دین در زوایای دل آنان جای دارد و با تصمیمات خردمندانه تصحیح از اذهان عمومی زدوده گردد.

۸- دانش الهیات در ایران با یک نقص بسیار مهمی مواجه است و آن این است که هم زبان با مجامع علمی جهانی نیست و این امر به علت ضعیف با نگاهی دانشگاهی در این خصوص است. باید با تصویب این مراکز تمشیتی اتخاذ گردد که افراد متخصص در این دانش بتوانند با حضور در مجامع بین‌المللی این میراث غنی را به خارج سرزمینمان صادر نمایند.